

تأثیر روش‌های شنیدن، خواندن و نوشتن بر مهارت نویسندگی دانش‌آموزان (مطالعه شبه آزمایشی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم دوره ابتدایی ناحیه ۲ قم)

حمید جعفریان یسار^۱، فرزانه جعفریان یسار^۲

^۱ استادیار دانشگاه فرهنگیان قم

^۲ دانشجوی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس حضرت معصومه (س) قم.

نام نویسنده مسئول:

حمید جعفریان یسار

چکیده

هدف: بررسی تأثیر روش‌های شنیدن، خواندن و نوشتن بر مهارت نویسندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی بود. **مواد و روش‌ها:** این پژوهش از نوع شبه آزمایشی بود و نمونه آماری آن به سه گروه آموزشی خواندن متن داستان‌ها، شنیدن متن داستان‌ها و نوشتن از روی متن داستان‌ها تقسیم شدند. نمونه آماری ۳۰ نفر از دانش‌آموزان با انتخاب تصادفی از یکی از مدارس شهر قم. ابزار پژوهش، ۱۰ داستان کوتاه که از متون متناسب با گروه سنی دانش‌آموزان در سه گروه خواندن، شنیدن و نوشتن داستان به مدت سه هفته آموزش داده شدند. در پایان دوره آموزشی، آزمون انشا نویسی با یک داستان مشخص از همه دانش‌آموزان گرفته شد. **یافته‌ها:** میانگین مهارت نویسندگی دانش‌آموزان در گروه نوشتن بالاتر از دو گروه خواندن و شنیدن است. تفاوت موجود بین مهارت نویسندگی دانش‌آموزان با توجه به مؤلفه نوشتن معنادار است. در مؤلفه نوشتن، روش یادگرفتن درس‌ها و معدل درسی و تحصیلی دانش‌آموزان، بیشترین تأثیر را در مهارت نویسندگی نشان داد. در مؤلفه دستوری - ادبی انشاء نویسی، متغیر علاقه‌مندی و در مؤلفه شیوه خط و نگارش انشاء نویسی، متغیر علاقه‌مندی برای نویسنده شدن را نشان داد. **نتیجه‌گیری:** برای نوشتن و خوب نوشتن راهی به جز نوشتن وجود ندارد. دانش‌آموزان دوره ابتدایی برای نوشتن علاقه‌مند هستند و آموزش و هدایت آنان، دسترسی به هدف را آسان‌تر می‌کند.

واژگان کلیدی: مهارت نویسندگی، انشاء نویسی، مؤلفه‌های خواندن، شنیدن و نوشتن، دانش‌آموزان دوره ابتدایی.

مقدمه

«ن و القلم ما یسطرون» وقتی خداوند متعال به چیزی قسم می‌خورد، باید آن بسیار مهم باشد. خداوند متعال به قلم و آن چه با قلم می‌نویسد سوگند خورده است. دلیل عظمت قلم و نگاشته‌های قلم، همان سوگندی است در قرآن شریف آمده است. امواج صوتی که حامل سخن است در فضا گم می‌شوند و نابود می‌گردند، اما آنچه از اندیشه‌ها بر روی سنگ یا پوست یا کاغذ ثبت می‌شود، همیشه پایدار مانده و از نسلی به نسل دیگر می‌رسند. با قضاوتی منصفانه، می‌توان گفت، اگر قلم و نویسندگی نبود و بشر نمی‌توانست با علامات و راز و رمزها، درون خود را بر رخسار کاغذ، نقش بزند. اگر نوشتن نبود، برای آدمی از اندیشه‌های گذشتگان و گفتارهای ارزنده آنان چه باقی می‌ماند؟ نویسندگی و نگارش، قاعده یا قواعد محدود معین و مدونی مانند برخی از حرفه‌ها و فنون ندارد که با آموختن آنها بتوان به راستی نویسنده شد، آن هم نویسنده‌ای که در دلها نفوذ کند و عقل‌ها را تسخیر نماید. شک نیست که نویسندگی و نگارش در مراحل ابتدایی، شیوه‌ها و قواعدی دارد، که باید یاد گرفت و مهم‌تر آن که باید به کار بست، ولی نه در حد نویسنده شدن به معنای عالی و متعالی کلمه، بلکه در حد الفبای کار [۱]. انشا به معنی ایجاد، خلق، پرورش و آغاز کردن است. در زبان فارسی امروز انشا به معنی ایجاد و خلق سخن و کلام است. نوشتن در حد انشا نویسی و بیان کتبی منظوره و مقصود، نیازمند داشتن استعدادی خدادادی نیست، بلکه فنی است آموختنی و فراگرفتنی که با ابراز کمی علاقه و صرف اندکی وقت و با تمرین می‌توان از عهده آن به خوبی برآمد. درس انشا مانند سایر درس‌ها با هدف‌هایی روشن و مشخص در برنامه درسی دانش‌آموزان گنجانده شده است. ظاهراً غرض این بوده است که دانش‌آموزان از دوران دبستان به تدریج با فن انشا آشنا بشوند و به همان میزان که رشد عقلی و فکری می‌یابند و بر دانسته‌هایشان افزوده می‌گردد، در نوشتن نیز مهارت یابند [۲]. در هر عصری انسان به کمک نوشتن، افکار و تصورات خود را برای معاصران و آیندگان بیان کرده است. امروزه نیز توسط همین نوشته‌ها و کتاب‌ها از اندیشه‌ها و آثار هنری و ادبی گذشتگان با خبر می‌شویم و با استفاده از آن‌ها به تکمیل دانسته‌های خود می‌پردازیم و به نوبه خود به وسیله انشا، افکار و پندارهای خود را به دیگران می‌رسانیم، باز به کمک انشا و نوشته است که نویسندگان، مورخان و دانشمندان مقاصد خود را آشکار می‌سازند و دانش خود را ارائه می‌نمایند. باید دانست که بیان دقیق و شرح کامل خاطرات گذشته، خوشی و تلخی‌ها، زشتی‌ها و زیبایی‌ها تنها از طریق انشا و نگارش ممکن و میسر است. سخن هنگامی پایدار می‌ماند که به صورت نوشته درآید. یعنی انسان وقتی زندگی جاوید یافت که ت و انست در یافته‌ها، دانسته‌ها و شناخته‌های خود را که حاصل صفات انسانی وی است به صورت نوشته در جهان باقی گذارد اگر کتاب نبود انسان به شناختن اقوام و اشخاصی که پیش از او در جهان بوده اند موفق نمی‌شد و چون شخص بی اصل و نسب بود که از وجود پدر و مادر خویش خبری نداشت و فاقد هر گونه شهرت و آبرو بود [۳]. دانش‌آموزان در مقابل درس انشا سؤالاتی دارند. برخی سؤالات دانش‌آموزان چنین است. سؤال مهم دانش‌آموز این است که در بلند مدت انشا چه فایده‌ای برای او دارد؟ در دانشگاه و یا یک شغل خاص، چه کسی از او انشا می‌خواهد؟ [۴]. انشا چه اثری در زندگی او دارد و اساساً چه لزومی برای نوشتن وجود دارد؟ و سؤال‌های دیگر. شاید اولین و ساده‌ترین دلیل این است که دانش‌آموز واقعاً معنا و مفهوم انشا را درک نکرده است. همچنین اثر آن را در زندگی فعلی خود مثل دروس دیگر نمی‌بیند، بنابراین خود را از آن دور می‌کند. وقتی به برخی از این سؤالات پاسخ داده شد و اگر پاسخ‌ها او را قانع کرد، می‌رود به دنبال یاد گرفتن مهارت نوشتن و شاید در این علاقه از همین دانش‌آموزان که ابتدا از انشا فراری بودند، نویسنده‌ای بزرگ و خوش ذوق ایجاد کند. این مطالعه در صدد است تا روش‌های آموزش مهارت نویسندگی که شامل شنیدن، خواندن و نوشتن را در دانش‌آموزان دوره ابتدایی بررسی و مقایسه کند.

۱- مبانی نظری درس انشاء

نخستین معنی انشا، آفریدن است [۴]. انشا در فرهنگ فارسی، به معنای آغاز کردن، آفریدن و از خود چیزی گفتن، آمده است. می‌توان به کمک همین معانی، خصوصاً مفهوم آفریدن و خلق کردن به رسالت عظیم معلمان در آموزش درس انشا و اعتبار و ارزش آن در جامعه پی برد و در فکر بهبود وضعیت موجود از نظر معلم و شاگرد بود [۵]. انشا (در اصل انشا کردن) فارسی و مصدر مرکب به معنی آفریدن، خلق کردن، فصیح و با قافیه نوشتن، سرودن شعر نیز معنی شده است. انشا به معنی ایجاد کردن، پرورش دادن، ابداع و خلق کردن است و آنچه را که امروزه فن انشا گفته می‌شود از نخستین معنای آن (ایجاد) گرفته شده است. انشا به معنی نظم دادن به فکر، به معنی ایجاد کلام و سخن و نگارش آن است. معادل فارسی انشا، دبیری است که به معنی منشی‌گری و کتابت می‌باشد. در اصطلاح ادبیات، انشا عبارت از نگارش جملات و عباراتی است که افکار نویسنده را به صورتی روشن و زیبا بیان کند که خواننده آنها را به سهولت بفهمد و برایش خوشایند و مطلوب باشد [۶]. کتابت و انشا در جای دیگری، با توجه به معنای لغوی آن، به معنای پرورش دادن، هنر کردن و بلند شدن، تربیت کردن، ایجاد کردن و ابداع کردن بیان شده است [۵].

۱-۱-اهداف درس انشاء

درسی انشا درس بیان کردن است. درس بیان درک و احساس خود، بیان دانستن‌ها، خواستن‌ها و دریافت‌های ذهنی و یکی از ابزارهای برقراری ارتباط است. به طور کلی، هدف درس انشاء، مهارت دادن یادگیرندگان در برقراری ارتباط با دیگران است. با این هدف، ارتباط با دیگران به دو طریق صورت می‌گیرد. یک از طریق بیان که به آن ارتباط گفتاری می‌گویند و دوم از طریق قلم که به آن ارتباط نوشتاری می‌گویند. کلاس درس انشاء، بهترین مکان برای تمرین سه مهارت اصلی زندگی است. این سه مهارت عبارت است از:

۱-مهارت دیداری: یعنی درست دیدن و عمیق دیدن. خوب دیدن به سادگی صورت نمی‌گیرد. خوب دیدن و دقیق دیدن رابطه مستقیمی با ذوق و شوق و گرایش‌های علایق انسان‌ها دارد.

۲-مهارت شنیداری: یعنی درست شنیدن و کامل شنیدن. درست شنیدن هم به سادگی اتفاق نمی‌افتد. هر کس حوصله و شکیبایی همه شنیدنی‌ها را که به گوش می‌رسند پیدا نمی‌کند.

۳-مهارت گفتاری: سواد خوب گفتن محصول دو سواد اول است. پدیده‌های دیداری و شنیداری مهم‌ترین عامل‌هایی هستند که می‌توانند به به سهولت مغزها را به خود جذب کنند و اندیشه و تفکر را به صحنه بکشانند.

این سه مهارت اصلی زندگی را باید در درس انشاء به تمرین‌های پی در پی کشاند. هر قدر، سه اصل یاد شده بیشتر و بهتر پرورش پیدا کنند، برقراری ارتباط با زندگی ساده‌تر، دقیق‌تر و موثرتر و کارسازتر خواهد شد. روش‌های و شیوه‌های شناخته شده و نیز شیوه‌های ابتکاری معلمان در درس انشاء می‌توانند یا باید بتوانند، از طریق تمارین مختلف ضعف‌های دیداری، شنیداری و گفتاری یادگیرندگان را بازسازی و آبادسازی کنند[۶].

۲-۱-اهداف آموزش انشاء

معلم و دانش‌آموز هر دو باید بدانند که انشاء چیست؟، هدف از یادگیری آن کدام است؟ و چگونه می‌توان خوب نوشت؟ در فرآیند آموزش انشاء، مطالعه و تمرین نوشتن و هنر تبدیل گویش به نگارش - که فرآیندی اساسی در پیشبرد فرهنگی جوامع است - به عهده معلمان زحمتکش آموزش انشاء است[۵]. هدف جدی انشاء در ساده‌ترین نگاه آن، نوشتن است. باید دانش‌آموز را به مطالعه جدی و آگاهانه عادت داد. یکی از راه‌های تعلیم مطالعه، تحلیل متن است. تحلیل متن در واقع مقدمه آموزش نویسندگی است[۷]. هدف غایی هر نظام آموزشی، افزایش کارایی آن نظام برای ایجاد فرآیند یادگیری بیشتر در دانش‌آموزان و تحویل افراد ماهر و کاردان و خلاق و صاحب نظر به اجتماع است تا بتواند زیربنای فکری جامعه را برای رسیدن به حد مطلوبی از توسعه فرهنگی پی‌ریزی کند[۵]. هدف کلی آموزش انشاء، توانایی نوشتن به زبان فارسی معاصر است و رسیدن به این هدف با پرورش کار خلاق امکان پذیر است. در حقیقت کار زمانی ارزشمند است که در آن خلاقیت و تفکر جریان داشته باشد. کلاس انشاء باید کارگاه نوشتن باشد[۸]. انشاء درسی است هدف‌دار و برای رسیدن به آن باید از روش‌های هدف‌دار استفاده کرد. در حال حاضر این روش‌ها به سلیقه، علاقه و مطالعه معلم وابسته است. ضابطه‌مند شدن انشاء صرفاً به معنی تغییر کتاب‌های درسی نیست. لازم است روش‌های مدرسان و معلمان تغییر یابند[۵].

برخی از هدف‌های آموزش انشاء در مطالعه علی‌پاشا زاده (۱۳۸۵) عبارتند از:

- ۱) دانش‌آموزان باید بتوانند آنچه را که می‌اندیشند و می‌خوانند به دیگری بگویند و بنویسند.
- ۲) شناسایی دانش‌آموزان با تخیل قوی و استعدادی بیشتر در نویسندگی و هدایت آنها در مسیری صحیح.
- ۳) پرورش قوه استدلال، تفکر و دقت دانش‌آموزان و وادار کردن آنها به درست دیدن و شنیدن، سپس دیده و شنیده خود را به طرز ساده و روشن بیان کردن و نوشتن[۹].

هدف‌های عمده درس انشاء در مطالعه حسینی‌نژاد (۱۳۸۱) چنین آمده است:

- ۱- توانایی بیان اندیشه و احساس؛ ۲- افزایش قدرت تحلیل و انتقاد؛ ۳- شرکت در فعالیت‌های گروهی؛ ۴- تسلط بر نوشتن؛ ۵- شرکت در بحث‌های گروهی و مناظره؛ ۶- تقویت قدرت سخنگویی؛ ۷- رفع کم‌رویی و کسب اتکا به نفس؛ ۸- افزایش دقت در شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن؛ ۹- آموزش برقراری ارتباط با دیگران و ۱۰- عادت به مطالعه[۵].

۲-سوابق پژوهشی موضوع

در تحقیق ادیسی (۱۳۷۲) با موضوع بررسی روش‌های رایج تدریس انشاء، نتایج نشان می‌دهد روش منظم و منسجمی در تدریس انشای فارسی وجود ندارد. دانش‌آموزان فعالیت‌هایی نظیر تبدیل نظم به نثر و خلاصه نویسی را به علت سادگی، بر سایر موضوعات درس انشاء ترجیح می‌دهند. منابع انتخابی دانش‌آموزان برای نوشتن انشاء؛ مشورت با بزرگتران، راهنمایی آموزگاران، مطالعات غیردرسی و تجربیات

شخصی می باشد. همچنین مشکلات دانش آموزان در نوشتن انشا عبارتست از: عدم توانایی در بیان افکار، نداشتن نظم فکری، نداشتن نقشه قبلی و عدم استفاده آموزگاران از وسایل آموزشی در تدریس انشا. یافته های این پژوهش مشکلات فوق را به ویژه در مورد آخر، قویا مورد تأیید قرار داده است [۱۱]. نتایج به دست آمده از تحقیق خسروی (۱۳۷۵) با موضوع بررسی مشکلات درس انشای مدارس ابتدایی نشان می دهد که معلمان در نحوه نمره گذاری درس انشا بیشتر به رعایت قواعد و دستور زبان، نوشتن مقدمه، تشریح مطلب، نتیجه گیری و محتوای انشا نمره می دهند و کمترین نمره را به داشتن غلط های املایی و استفاده از تعبیرات مناسب می دهند. در ضمن معلمان بیشتر از موضوعات توصیفی برای دادن انشا به دانش آموزان استفاده می کنند و از موضوعات تحقیق و تخیلی کمترین استفاده را می نمایند. حال آن که دانش آموزان به نوشتن موضوع های داستانی، تخیلی و تحقیقی، بیشتر علاقه نشان می دهند. متأسفانه معلمان و دانش آموزان هیچکدام نسبت به اهداف درس انشا آگاهی کافی ندارند و برخی از اهداف درس انشا را جزو اهداف درس انشا محسوب نکرده اند [۱۲].

نتایج تحقیق حسینی نژاد (۱۳۸۱) با موضوع بررسی عوامل مؤثر در عدم گرایش دانش آموزان به درس انشا نشان می دهد؛ عواملی مانند میزان توجه به احساسات و نیازهای دانش آموزان، ضعف و قوت در دروس غیر از انشا، بی توجهی معلمان به درس انشا، میزان جذابیت و تنوع محیط کلاس و میزان مطالعات جنبی دانش آموزان در میزان گرایش و علاقمند دانش آموزان به درس انشا، رابطه وجود دارد. و بین عامل ضعف در دستور زبان و جمله نویسی با عدم گرایش دانش آموزان به درس انشا رابطه معنی داری وجود ندارد [۱۳]. شوقی در پژوهش خود با موضوع پژوهش درباره نویسندگی دانش آموزان چنین بیان نموده است که انتقال مطالب از زبان به قلم و از گفتن به نوشتن را می توان از طریق عملکرد معلمان به عنوان الگو، آموزش داد. تا دانش آموزان یاد بگیرند چگونه می توانند مطلبی را که می شنوند به قلم درآورند و یادداشت نمایند. همچنین برای این که کودکان را از مرحله مقدماتی نویسندگی به پایه ی بالاتر ارتقا دهیم، می توانیم برخی از تصاویر را در دسترس آنان قرار دهیم تا درباره هر یک، شرحی بنویسند. با این روش، دانش آموزان دقت نظر بیشتری به کار می برند و کلمات و جملات بیشتری می نویسند [۱۴]. نتایج پژوهش علی اسماعیلی (۱۳۸۵) با موضوع مقایسه روش های تدریس سنتی و مشارکتی درس انشا، نشان می دهد علاقمندی دانش آموزان به انشاهای تخیلی همواره بیش از انشاهای عینی بودهاست. همچنین روش تدریس مشارکتی روی انشاهای تخیلی نسبت به انشاهای عینی اثر بیشتری داشته است و معلمان از روش تدریس مشارکتی در انشا بسیار راضی بودند که یکی از دلایل اصلی آن حل مشکل کمبود زمان در زنگ انشا بود [۱۵].

در پژوهش انجام گرفته توسط سیف نراقی و میرمهدی (۱۳۸۲) نیز نتایج نشان می دهد که عمده ترین خصوصیات انشانویسی دانش آموزان دچار نارساخوانی و نارسانویسی و همچنین دانش آموزان عادی پایه ای چهارم و پنجم ابتدایی مربوط به مشکلات دستوری و ناتوانی در سازمان دهی نظرات و افکار خود به صورت بیان نوشتاری صحیح است. همچنین سازمان دهی ضعیف متن نوشتاری، کوتاهی متن، فقدان محتوای غنی در متن نوشتاری، فراوانی جملات ناتمام، استفاده از کلمات محاوره ای و همچنین فراوانی غلط های املایی در متن نوشته شده از دیگر خصوصیات بیان نوشتاری این دانش آموزان بود [۱۶]. جعفریان یسار (۱۳۸۶) در مطالعه خود با عنوان سفید، خاکستری، سیاه در زنگ املا، چنین گزارش کرد. با نگاهی به برنامه درسی آموزشگاه های جهان در گذشته های بسیار دور تا به امروز، قابل درک است که تنها درسی که همیشه در برنامه درسی وجود داشته و به عنوان اصلی ترین درس ها به شمار می رفته، همانا درس مهم و سرنوشت ساز زبان و ادبیات بوده است. تدریس انشا در آغاز به صورت شفاهی بود، به خصوص در یونان باستان، روم، اروپای قرون وسطی، هند، چین و ایران که بعدها به صورت مکتوب درآمد و تربیت کاتبان، بخش مهمی از فرایند مدرسه ای را تشکیل می داد. در کشورهای غربی، درس انشا محدود می شد به اصول ادبی ارسطو و بلاغت قدیم و کسانی چون: کوین لی، سیرو و سنکا. با اختراع ماشین چاپ، تدریس انشا به صورت مکتوب تغییر یافت و در قرن هیجدهم به طور کامل به صورت برنامه ریزی شده درآمد. با توجه به تاریخچه انشا می توان گفت که قدرت سخنوری که در دوران قدیم از مرتبه بالایی برخوردار بوده، به واسطه کتابت رقیبی پیدا کرد که توانست جای آن را بگیرد [۱۷].

علیرغم تأکیدات فراوان که در کتب و آیین نامه های مختلف، در خصوص فواید درس انشا ذکر شده است، متأسفانه در نظام کنونی آموزش و پرورش ما، توجه قابل توجهی به درس انشا و انشا نویسی نمی شود. این امر در شرایطی است که امر نوشتن در دانش آموزان، یکی از راه کارهای مؤثر جهت درک احساسات درونی و دنیای شگفت انگیز آنان است.

۳- روش تحقیق

روش این مطالعه توصیفی و از نوع شبه آزمایشی است [۱۸] و [۱۹]. در این مطالعه وضع موجود مهارت نوشتن دانش آموزان بررسی شده است. البته در زمان بررسی، مداخله ای کوتاه در قالب اثر استفاده از سه روش (شنیدن، خواندن و نوشتن) برای مهارت نویسندگی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش عبارت است از، دانش آموزان دختر پایه پنجم آموزش و پرورش شهر قم. به دلیل محدودیت های پژوهشگران در امکانات و منابع، یکی از مدارس ناحیه ۲ قم به صورت تصادفی انتخاب و دانش آموزان هم از همان مدرسه به عنوان نمونه مورد آزمایش در سه گروه ده تایی به صورت تصادفی از دانش آموزان پایه پنجم انتخاب شدند. نمونه آماری به صورت تصادفی به سه گروه ده نفره شنیدن داستان

(L)، خواندن داستان (R) و نوشتن داستان (W) تقسیم شدند. ابزار آموزش شامل ده داستان کوتاه که از متون کتاب‌های داستان در گروه سنی دانش‌آموزان دوره ابتدایی انتخاب شدند. گروه شنیدن کارشان این بود که فقط داستان‌ها را بشنوند، گروه خواندن کارشان این بود که یک بار خودشان از روی داستان‌ها بخوانند و گروه نوشتن کارشان این بود که از روی داستان‌ها یک بار رونویسی کنند. روش اجرای ابزار آموزشی: هر روز در یک زمان مشخص، سه گروه در کلاس‌های جداگانه‌ای قرار می‌گرفتند و فعالیت به گروه روی آنها اجرا می‌گردید. روش اجرای آزمون: بعد از اتمام دوره آموزشی، همه دانش‌آموزان در یک زمان مشخص در کلاس‌های جداگانه‌ای قرار گرفتند و داستان از قبل تعیین شده و یک برگه سفید تنظیم شده در اختیار آنها قرار گرفت تا انشای خود را در آن بنویسند. روش تجزیه و تحلیل: نوشته‌های دانش‌آموزان توسط دو کارشناس زبان و ادبیات فارسی مورد بررسی و در سه قالب محتوا، ساختار دستوری - ادبی و شیوه خط نگارش، نمره‌گذاری شد. نمرات با آزمون‌های همبستگی، تی و تحلیل واریانس مورد تحلیل قرار گرفتند.

۴- یافته‌ها

بیش از ۸۵ درصد دانش‌آموزان نوشتن را دوست دارند و به آن اظهار علاقه نشان دادند. معدل درسی ۹۴ درصد دانش‌آموزان در رتبه خیلی خوب قرار گرفته است. بیش از ۹۷ درصد دانش‌آموزان در درس خواندن و نوشتن از معلمان خود، رتبه خیلی خوب دریافت کرده‌اند. بیش از ۴۱ درصد دانش‌آموزان اظهار علاقه کرده‌اند که در آینده نویسندگی را دنبال کنند و نویسنده بشوند. بیش از ۶۷ درصد دانش‌آموزان اظهار کردند که به جز کتاب‌های درسی، کتاب داستان هم به میزان خیلی زیاد می‌خوانند. بیش از ۵۸ درصد دانش‌آموزان بهترین راه برای یادگیری دروس خود را خواندن از روی درس‌ها اعلام کرده‌اند. میانگین نمره دانش‌آموزان در محتوای انشا از ۲۰ نمره، ۱۶/۸۵ به دست آمد. در مؤلفه دستوری - ادبی از ۵ نمره، میانگین ۲/۹۷ به دست آمد و در مؤلفه شیوه خط نگارش از ۵ نمره ۳/۰۴ به دست آمد.

وضعیت مؤلفه‌های سه‌گانه خواندن، شنیدن و نوشتن در انشاء نویسی دانش‌آموزان دختر چگونه است؟

جدول ۱: آمار توصیفی مربوط به مؤلفه‌های انشاء

گروه	محتوای انشا	دستوری ادبی	شیوه خط و نگارش
خواندن	Mean	2.917	2.958
	Std. Deviation	1.1044	1.1572
	Minimum	1.0	1.0
	Maximum	4.5	4.5
	N	12	12
شنیدن	Mean	3.150	3.150
	Std. Deviation	.9144	.6687
	Minimum	2.0	2.0
	Maximum	4.5	4.0
	N	10	10
نوشتن	Mean	2.875	3.042
	Std. Deviation	1.0687	1.0326
	Minimum	1.0	1.0
	Maximum	4.0	4.0
	N	12	12
Total	Mean	2.971	3.044
	Std. Deviation	1.0146	.9643
	Minimum	1.0	1.0
	Maximum	4.5	4.5
	N	34	34

بر اساس نتایج به دست آمده از در جدول ۱، میانگین در مؤلفه محتوای انشاء، به ترتیب در نوشتن با ۱۸/۲۹، شنیدن با ۱۷/۱۰ و خواندن با ۱۵/۲۰ مشخص شده است. در مؤلفه دستوری - ادبی، به ترتیب در شنیدن با ۳/۱۵، در خواندن با ۲/۹۱ و نوشتن با ۲/۸۷ مشخص شده است. در مؤلفه شیوه خط و نگارش، به ترتیب در شنیدن با ۳/۱۵، در نوشتن ۳/۰۴ و در خواندن با ۲/۹۵ مشخص شده است. بنابراین، مؤلفه

محتوای انشای دانش‌آموزان گروه آموزشی نوشتن، بالاترین میانگین را به دست آورده است. مؤلفه دستوری - ادبی، گروه آموزشی شنیدن بالاترین میانگین را به دست آورده است. مؤلفه شیوه خط و نگارش، گروه آموزشی شنیدن بالاترین میانگین را به دست آورده است.

آیا بین مهارت‌های خواندن، شنیدن و نوشتن در کیفیت انشاء نویسی دانش‌آموزان تفاوت وجود دارد؟

جدول ۲: آمار توصیفی مربوط به مؤلفه‌های انشاء

Std. Error	Std. Deviation	Mean	N		
1.3207	4.5749	15.208	12	خواندن	محتوای انشا
.5312	1.6799	17.100	10	شنیدن	
.2258	.7821	18.292	12	نوشتن	
.5343	3.1153	16.853	34	Total	
.3188	1.1044	2.917	12	خواندن	دستوری ادبی
.2892	.9144	3.150	10	شنیدن	
.3085	1.0687	2.875	12	نوشتن	
.1740	1.0146	2.971	34	Total	
.3340	1.1572	2.958	12	خواندن	شیوه خط و نگارش
.2115	.6687	3.150	10	شنیدن	
.2981	1.0326	3.042	12	نوشتن	
.1654	.9643	3.044	34	Total	

بر اساس نتایج به دست آمده از آمار توصیفی در جدول ۲، در مؤلفه محتوای انشاء، میانگین گروه نوشتن بالاتر از دو گروه دیگر است. در مؤلفه دستوری - ادبی گروه شنیدن دارای میانگین بالاتری نسبت به دو گروه خواندن و نوشتن است. در مؤلفه خط و نگارش، گروه شنیدن دارای میانگین بالاتری نسبت به دو گروه خواندن و نوشتن است.

آیا بین مؤلفه‌های انشانویسی دانش‌آموزان تفاوت وجود دارد؟

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه مؤلفه‌های انشاء

Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares		
.045	3.421	28.953	2	57.906	Between Groups	محتوای انشا
		8.463	31	262.358	Within Groups	
			33	320.265	Total	
.807	.216	.233	2	.466	Between Groups	دستوری ادبی
		1.081	31	33.504	Within Groups	
			33	33.971	Total	
.903	.102	.100	2	.200	Between Groups	شیوه خط و نگارش
		.983	31	30.483	Within Groups	
			33	30.684	Total	

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس (آزمون F) در جدول ۳، تفاوت موجود دو مؤلفه دستوری - ادبی و شیوه خط و نگارش، معنادار نیست. اما در مؤلفه محتوای انشاء با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت موجود معنادار است. بر اساس آزمون تعقیبی شفه، تفاوت مشاهده شده بین دو مؤلفه خواندن و نوشتن است. به عبارت دیگر، میانگین به دست آمده در محتوای انشاء، در دو مؤلفه خواندن و نوشتن دارای تفاوت نسبتاً زیادی است که تفاوت به دست آمده در آزمون، خود را نشان داده است. البته می‌توان حدس زد که معلمان در مدارس، امکانات مناسب برای آموزش خوشنویسی را در اختیار ندارند و یا خود معلمان از این توانایی برخوردار کمی دارند.

عوامل مؤثر در نوشتن محتوای انشای دانش‌آموزان چیست و سهم هر یک چقدر است؟

جدول ۴: خروجی معادله رگرسیون برای تبیین واریانس متغیر محتوای انشای دانش آموزان

متغیر وابسته	رتبه عوامل	متغیر مستقل	Beta	T	سطح اطمینان	R	R ²
محتوای انشای دانش آموزان	۱	معدل درسی و تحصیلی	۰,۵۵۳	۳,۹۵۰	۰,۰۰۱	0/762	0/581
	۴	نمره درس خواندن فارسی	۰,۰۷۹	۰,۶۱۲	۰,۵۴۶		
		نمره درس نوشتن فارسی	-۰,۱۱۶	-۰,۸۷۰	۰,۳۹۳		
	۲	علاقه به نویسندگی	۰,۳۲۷	۲,۳۴۲	۰,۰۲۷		
	۳	علاقه به نویسنده شدن در آینده	۰,۱۱۶	۰,۸۸۱	۰,۳۸۶		
		خواندن کتابهای داستان	-۰,۰۰۸	-۰,۰۶۴	۰,۹۴۹		
	۱	روش یادگرفتن درسها	۰,۵۵۳	۳,۹۵۰	۰,۰۰۱		

در این مطالعه از رگرسیون چند متغیره و به روش Enter استفاده شد. بر پایه نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون در جدول ۴، متغیر (معدل درسی و روش یادگرفتن درسها) با بتای ۰/۵۵۳ دارای بیشترین اثر در محتوای انشای دانش آموزان است. متغیر (علاقه به نویسندگی) با بتای ۰/۳۲۷ دومین عامل و متغیر (علاقه به نویسنده شدن در آینده) با بتای ۰/۱۱۶ سومین عامل در محتوای انشای دانش آموزان به دست آمده است. متغیرهای (معدل درسی و روش یادگرفتن درسها) و (علاقه به نویسندگی) در معادله رگرسیونی معنادار شده‌اند. در مجموع و بر اساس مقدار همبستگی $R=0/762$ و مقدار ضریب تغییرات $R^2=0/581$ به دست آمده، می‌توان اظهار داشت که هفت متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی قادرند، ۵۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (محتوای انشای دانش آموزان) را تبیین کنند.

عوامل مؤثر در رعایت شرایط دستوری - ادبی در نویسندگی چیست و سهم هر یک چقدر است؟

جدول ۵: خروجی معادله رگرسیون برای تبیین واریانس متغیر رعایت شرایط دستوری - ادبی

متغیر وابسته	رتبه عوامل	متغیر مستقل	Beta	T	سطح اطمینان	R	R ²
رعایت شرایط دستوری - ادبی در انشاء		معدل درسی و تحصیلی	-۰,۲۵۵	-۱,۵۵۸	۰,۱۳۱	0/622	0/387
	۲	نمره درس خواندن فارسی	۰,۲۵۰	۱,۴۷۷	۰,۱۵۲		
	۵	نمره درس نوشتن فارسی	۰,۱۶۶	۱,۰۶۱	۰,۲۹۸		
	۴	علاقه به نویسندگی	۰,۲۲۷	۱,۴۰۹	۰,۱۷۱		
	۱	علاقه به نویسنده شدن در آینده	۰,۳۳۵	۱,۹۸۸	۰,۰۵۷		
	۶	خواندن کتابهای داستان	۰,۰۹۲	۰,۵۷۷	۰,۵۶۹		
	۳	روش یادگرفتن درسها	۰,۲۲۸	۱,۴۳۰	۰,۱۶۵		

در این مطالعه از رگرسیون چند متغیره و به روش Enter استفاده شد. بر پایه نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون در جدول ۵، متغیر (علاقه به نویسنده شدن در آینده) با بتای ۰/۳۳۵ دارای بیشترین اثر در رعایت شرایط دستوری - ادبی است. متغیر (نمره درس خواندن فارسی) با بتای ۰/۲۵۰ دومین عامل و متغیر (روش یادگرفتن درسها) با بتای ۰/۲۲۸ سومین عامل در رعایت شرایط دستوری - ادبی به دست آمده است. هیچ یک از متغیرهای فوق در معادله رگرسیونی معنادار نشده‌اند. در مجموع و بر اساس مقدار همبستگی $R=0/622$ و مقدار ضریب تغییرات $R^2=0/387$ به دست آمده، می‌توان اظهار داشت که هفت متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی قادرند، ۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (رعایت شرایط دستوری - ادبی) را تبیین کنند.

عوامل مؤثر در رعایت شیوه خط و نگارش در نویسندگی چیست و سهم هر یک چقدر است؟

جدول ۶: خروجی معادله رگرسیون برای تبیین واریانس متغیر رعایت شیوه خط و نگارش

متغیر وابسته	رتبه عوامل	متغیر مستقل	Beta	T	سطح اطمینان	R	R ²
رعایت شیوه خط و نگارش در انشاء		معدل درسی و تحصیلی	-۰,۱۹۲	-۱,۰۸۸	۰,۲۸۶	0/542	0/293
	۲	نمره درس خواندن فارسی	۰,۲۷۳	۱,۵۰۱	۰,۱۴۵		
		نمره درس نوشتن فارسی	-۰,۱۰۰	-۰,۵۹۶	۰,۵۵۶		

۴	علاقه به نویسندگی	۰,۱۵۶	۰,۹۰۴	۰,۳۷۴
۱	علاقه به نویسنده شدن در آینده	۰,۲۹۷	۱,۶۴۰	۰,۱۱۳
	خواندن کتاب‌های داستان	-۰,۳۱	-۰,۱۷۸	۰,۸۶۰
۳	روش یادگرفتن درس‌ها	۰,۲۲۲	۱,۲۹۴	۰,۲۰۷

در این مطالعه از رگرسیون چند متغیره و به روش Enter استفاده شد. بر پایه نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون در جدول ۶، متغیر (علاقه به نویسنده شدن در آینده) با بتای ۰/۲۹۷ دارای بیشترین اثر در رعایت شیوه خط و نگارش است. متغیر (نمره درس خواندن فارسی) با بتای ۰/۲۷۳ دومین عامل و متغیر (روش یادگرفتن درس‌ها) با بتای ۰/۲۲۲ سومین عامل در رعایت شیوه خط و نگارش به دست آمده است. هیچ یک از متغیرهای فوق در معادله رگرسیونی معنادار نشده‌اند. در مجموع و بر اساس مقدار همبستگی $R=0/542$ و مقدار ضریب تغییرات $R^2=0/293$ به دست آمده، می‌توان اظهار داشت که هفت متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی قادرند، ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (رعایت شیوه خط و نگارش) را تبیین کنند.

کدام یک از مؤلفه‌های خواندن، شنیدن و نوشتن تأثیر بیشتری بر مهارت نویسندگی دانش‌آموزان دارد؟

جدول ۷: خروجی معادله رگرسیون برای تبیین واریانس متغیر مؤلفه‌های خواندن، شنیدن و نوشتن در مهارت نویسندگی دانش‌آموزان

متغیر وابسته	رتبه عوامل	متغیر مستقل	Beta	T	سطح اطمینان	R	R^2
مهارت نویسندگی دانش‌آموزان	۱	مؤلفه خواندن	-۰/۱۲۳	-۰/۳۹۳	۰/۷۰۳	۰/۱۲۳	۰/۰۱۵
		مؤلفه شنیدن	-۰/۱۷۹	-۰/۵۱۶	۰/۶۲۰	۰/۱۷۹	۰/۰۳۲
		مؤلفه نوشتن	۰/۳۱۵	۱/۰۴۹	۰/۳۱۹	۰/۳۱۵	۰/۰۹۹

در این مطالعه از رگرسیون چند متغیره و به روش Enter استفاده شد. بر پایه نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون در جدول ۷، متغیر (نوشتن) با بتای ۰/۳۱۵ دارای بیشترین اثر در مهارت نویسندگی دانش‌آموزان است. البته این متغیر در مدل رگرسیونی معنادار نشد. دو متغیر دیگر تأثیر در مهارت نویسندگی دانش‌آموزان نشان ندادند. در مجموع و بر اساس مقدار همبستگی $R=0/315$ و مقدار ضریب تغییرات $R^2=0/099$ به دست آمده، می‌توان اظهار داشت که متغیر نوشتن در مدل رگرسیونی قادر است، ۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مهارت نویسندگی دانش‌آموزان) را تبیین کند.

بحث و نتیجه‌گیری

در نویسندگی و به تعبیر اولیه و ساده آن انشا، دو دیدگاه وجود دارد. برخی بر این باورند که نویسندگی هنر و خلاقیت (خدادادی) است و برخی می‌گویند نویسندگی فن و تجربه (اکتسابی) است. بر اساس این دو عقیده حتی در بعضی کشورها، شاعری را نیز به بچه‌ها می‌آموزند [۱۷]. بر این اساس، دیدگاه و روش و شناخت معلم انشا است که آموزش خود را انتخاب می‌کند. گاهی اوقات چگونه نگاه کردن به موضوع، از خود موضوع مهم‌تر است. معلم اگر بداند که انشا واقعاً چیست و چه هدفی را دنبال می‌کند، بدون شک کار او هم آسان‌تر شده و هم معنا و لذت دیگری پیدا می‌کند. بدون تردید هدف تعلیم و تربیت، رشد تفکر در دانش‌آموزان است. بنابراین لازم است توانایی‌های مربوط به آن نیز ارتقا یابد و همچنین لازم است در کلاس‌های درس انشا به رشد و تعالی تفکر بیش از پیش توجه شود. آیا فکر کردن به تفکر از خود تفکر کمتر است. به راستی معلم انشا تا چه اندازه به تفکر و اندیشیدن، اندیشیده است؟ از آن چه برداشتی دارد و در مقابل این موضوع چه فلسفه‌ای برای خود تعریف کرده است. باید اجازه داد که قلم با آزادی وارد میدان کاغذ شود و حرکت‌های خودش را انجام دهد. بعد این دانش‌آموز است که نوشته‌هایش را تنظیم و مرتب می‌کند و این روند آرام آرام در ذهن دانش‌آموز شکل می‌گیرد و در کوتاه مدتی نوشته‌های بسیار زیبایی را خلق خواهد کرد. به نظر می‌رسد در فرآیند تعلیم و تربیت اشتباه بزرگی به وجود آمده است و آن این است که معلمان و خانواده‌ها انتظار بهترین را از دانش‌آموز دارند. متخصصان اذعان کرده‌اند که چنین خطایی باعث بروز اضطراب و نگرانی در دانش‌آموز می‌شود. بین انشا و کتابت رابطه محکمی وجود دارد. اما باید دانست هر انشایی الزاماً مکتوب نیست و هر مکتوبی انشا تلقی نمی‌شود. این هنر معلمی است که از تفاوت‌ها و تناقض‌ها فرصت‌های طلایی برای یادگیری و آموزش استفاده کند. یک معلم هنرمند باید از هر نوشته‌ای که از دانش‌آموز سر می‌زند، به نفع انشا استفاده کند و هر انشایی که دانش‌آموز می‌نگارد، در جهت بهبود انشا بعدی او مورد استفاده قرار گیرد. این مطالعه نشان داد:

میانگین در مؤلفه محتوای انشا، به ترتیب در نوشتن با ۱۸/۲۹، شنیدن با ۱۷/۱۰ و خواندن با ۱۵/۲۰ مشخص شده است. در مؤلفه دستوری - ادبی، به ترتیب در شنیدن با ۳/۱۵، در خواندن با ۲/۹۱ و نوشتن با ۲/۸۷ مشخص شده است. در مؤلفه شیوه خط و نگارش، به ترتیب در شنیدن با ۳/۱۵، در نوشتن با ۳/۰۴ و در خواندن با ۲/۹۵ مشخص شده است. بنابراین، مؤلفه محتوای انشای دانش‌آموزان گروه آموزشی نوشتن، بالاترین میانگین را به دست آورده است. مؤلفه دستوری - ادبی، گروه آموزشی شنیدن بالاترین میانگین را به دست آورده است. مؤلفه شیوه خط و نگارش، گروه آموزشی شنیدن بالاترین میانگین را به دست آورده است. در مؤلفه محتوای انشاء، میانگین گروه نوشتن بالاتر از دو گروه دیگر است. در مؤلفه دستوری - ادبی گروه شنیدن دارای میانگین بالاتری نسبت به دو گروه خواندن و نوشتن است. در مؤلفه خط و نگارش، گروه شنیدن دارای میانگین بالاتری نسبت به دو گروه خواندن و نوشتن است. تفاوت موجود دو مؤلفه دستوری - ادبی و شیوه خط و نگارش، معنادار نیست. اما در مؤلفه محتوای انشاء با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت موجود معنادار است. بر اساس آزمون تعقیبی شفه، تفاوت مشاهده شده بین دو مؤلفه خواندن و نوشتن است. به عبارت دیگر، میانگین به دست آمده در محتوای انشاء، در دو مؤلفه خواندن و نوشتن دارای تفاوت نسبتاً زیادی است که تفاوت به دست آمده در آزمون، خود را نشان داده است. البته می‌توان حدس زد که معلمان در مدارس، امکانات مناسب برای آموزش خوشنویسی را در اختیار ندارند و یا خود معلمان از این توانایی برخوردار کمی‌تری دارند.

بر پایه نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون، متغیر (معدل درسی و روش یادگرفتن درس‌ها) با بتای ۰/۵۵۳ دارای بیشترین اثر در محتوای انشای دانش‌آموزان است. متغیر (علاقه به نویسندگی) با بتای ۰/۳۲۷ دومین عامل و متغیر (علاقه به نویسنده شدن در آینده) با بتای ۰/۱۱۶ سومین عامل در محتوای انشای دانش‌آموزان به دست آمده است. متغیرهای (معدل درسی و روش یادگرفتن درس‌ها) و (علاقه به نویسندگی) در معادله رگرسیونی معنادار شده‌اند. در مجموع و بر اساس مقدار همبستگی $R=0/762$ و مقدار ضریب تغییرات $R^2=0/581$ به دست آمده، می‌توان اظهار داشت که هفت متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی قادرند، ۵۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (محتوای انشای دانش‌آموزان) را تبیین کنند. بر پایه نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون، متغیر (علاقه به نویسنده شدن در آینده) با بتای ۰/۳۳۵ دارای بیشترین اثر در رعایت شرایط دستوری - ادبی است. متغیر (نمره درس خواندن فارسی) با بتای ۰/۲۵۰ دومین عامل و متغیر (روش یادگرفتن درس‌ها) با بتای ۰/۲۲۸ سومین عامل در رعایت شرایط دستوری - ادبی به دست آمده است. هیچ یک از متغیرهای فوق در معادله رگرسیونی معنادار نشده‌اند. در مجموع و بر اساس مقدار همبستگی $R=0/622$ و مقدار ضریب تغییرات $R^2=0/387$ به دست آمده، می‌توان اظهار داشت که هفت متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی قادرند، ۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (رعایت شرایط دستوری - ادبی) را تبیین کنند.

بر پایه نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون، متغیر (علاقه به نویسنده شدن در آینده) با بتای ۰/۲۹۷ دارای بیشترین اثر در رعایت شیوه خط و نگارش است. متغیر (نمره درس خواندن فارسی) با بتای ۰/۲۷۳ دومین عامل و متغیر (روش یادگرفتن درس‌ها) با بتای ۰/۲۲۲ سومین عامل در رعایت شیوه خط و نگارش به دست آمده است. هیچ یک از متغیرهای فوق در معادله رگرسیونی معنادار نشده‌اند. در مجموع و بر اساس مقدار همبستگی $R=0/542$ و مقدار ضریب تغییرات $R^2=0/293$ به دست آمده، می‌توان اظهار داشت که هفت متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی قادرند، ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (رعایت شیوه خط و نگارش) را تبیین کنند.

بر پایه نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون در جدول ۷، متغیر (نوشتن) با بتای ۰/۳۱۵ دارای بیشترین اثر در مهارت نویسندگی دانش‌آموزان است. البته این متغیر در مدل رگرسیونی معنادار نشد. دو متغیر دیگر تأثیر در مهارت نویسندگی دانش‌آموزان نشان نمی‌دهند. در مجموع و بر اساس مقدار همبستگی $R=0/315$ و مقدار ضریب تغییرات $R^2=0/099$ به دست آمده، می‌توان اظهار داشت که متغیر نوشتن در مدل رگرسیونی قادر است، ۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مهارت نویسندگی دانش‌آموزان) را تبیین کند. بر پایه نتیجه مهم این مطالعه، عامل مؤثر در مهارت نویسندگی دانش‌آموزان، مؤلفه نوشتن شناخته شد. بنابراین لازم برنامه‌ریزان برای توسعه مؤلفه نوشتن در برنامه درسی دانش‌آموزان که منجر به افزایش توانایی نویسندگی دانش‌آموزان در آینده خواهد شد، برنامه‌ریزی دقیق و علمی‌ای داشته باشند. همچنین نمره خط و نگارش دانش‌آموزان، در این مطالعه نمره ضعیفی را نشان داد. این موضوع نیز باید به عنوان یک تهدید مد نظر برنامه‌ریزان باشد. در کنار این موضوع، مهارت خوشنویسی معلمان نیز باید مد نظر باشد. نمره ضعیف دانش‌آموزان در خط و نگارش، در واقع نمره معلمان نیز قابل تلقی است. بر پایه نتایج این مطالعه، به نظر می‌رسد، دانش‌آموزان علاقه مناسبی هم به نوشتن و نویسندگی و هم به شیوه خط و نگارش در نویسندگی از خود نشان می‌دهند. بنابراین این موضوع می‌تواند به عنوان یک فرصت برای برنامه‌ریزان تلقی گردد.

منابع و مراجع

- [۱] احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۷۹). شیوه نویسندگی و نگارش، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- [۲] روحانی، مریم (۱۳۷۳). الفبای نوشتن، تهران: شرکت رجای فرهنگی.
- [۳] صفائی حائری، مریم (۱۳۷۹). آیین نگارش، قم: پارسیان.
- [۴] شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۱). ضرورت اندیشیدن در انشا، رهیافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا، تهران: سهیل پویش، صص ۱۲۱-۱۳۴.
- [۵] حسینی‌نژاد، سیدحسین (۱۳۸۱). انشا و رابطه آن با ریاضی و حل مسئله، رهیافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا، تهران: سهیل پویش، صص ۳۵-۴۷.
- [۶] علی‌پاشازاده، افسانه (۱۳۸۵). نوشتن انشاهای خلاق، مقاله چاپ نشده و جمع‌آوری در کلاس درس دانشگاه، به نقل از سایت انجمن معلمان انشا.
- [۷] رؤوف، علی (۱۳۹۰). انشا درس رویدن در خود، تهران: آبیژ.
- [۸] حسینی‌علائی، محمدناصر (۱۳۸۱). کتابت در آیات و روایات، رهیافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا، تهران: سهیل پویش، صص ۴۹-۵۶.
- [۹] اسمعی، احمد (۱۳۸۱). راه‌های آموزش انشا، رهیافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا، تهران: سهیل پویش، صص ۱۰۸-۱۰۳.
- [۱۰] الهامی، محسن (۱۳۸۱). استفاده از الگوی بدیعه‌پردازی در کلاس انشا، رهیافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا، تهران: سهیل پویش، صص ۱۷-۲۱.
- [۱۱] حسینی‌علائی، محمد ناصر (۱۳۸۱). کتابت در آیات و روایات، رهیافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا، تهران: سهیل پویش، صص ۴۹-۵۶.
- [۱۲] ادریسی، نعمت‌ا... (۱۳۷۲). بررسی روش‌های رایج تدریس انشای فارسی در مدارس ابتدایی شهر یزد و ارائه روش‌های مطلوب، قم: کارشناسی تحقیقات.
- [۱۳] خسروی، معصومه (۱۳۷۵). بررسی مشکلات درس انشا در پایه پنجم مدارس ابتدایی شهر اهواز، قم: کارشناسی تحقیقات.
- [۱۴] حسینی‌نژاد، علی‌اصغر (۱۳۸۱). بررسی عوامل موثر در عدم گرایش دانش‌آموزان مقطع ابتدایی ناحیه ۳ قم نسبت به درس انشا از دیدگاه معلمان، قم: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- [۱۵] شوقی، عباس، پژوهش‌ها و سنجش‌ها درباره نویسندگی کودکان، ماهنامه آموزش و پرورش، شماره ۷ و ۸.
- [۱۶] علی‌اسماعیلی، عبد... (۱۳۸۵). مقایسه اثربخشی روش‌های تدریس سنتی و مشارکتی درس انشای دوره راهنمایی، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، شماره ۲، صص ۵۷-۷۲.
- [۱۷] سیف‌نراقی، مریم و میرمهدی، سیدرضا (۱۳۸۲). مقایسه الگوهای انشانویسی در دانش‌آموزان پسر نارساخوان و نارسانویس پایه‌های چهارم و پنج‌مابندی، با دانش‌آموزان عادی شهر تهران، پژوهشی در حیطه کودکان استثنایی، شماره ۷، صص ۹۲-۷۵.
- [۱۸] جعفریان یسار، حمید (۱۳۸۶). سفید، خاکستری، سیاه در زنگ املا، مجله رشد آموزش ابتدایی، شماره ۴، تهران: وزارت آموزش و پرورش، صص ۱۸-۲۰.
- [۱۹] دلاور، علی (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: انتشارات پیام نور.
- [۲۰] سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ سوم، تهران: نشر آگه.